



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۳/۲۴

محمد مُجق

## تروریسم خطری برای همه فصول

حمله مرگبار بر سالن کنسرت در مسکو نشان داد که تروریسم خطری جهانی است؛ خطری که نه به مرز خاصی محدود می‌شود و نه به زمان خاصی. عملیاتی که پس از یازدهم سپتامبر بر ضد القاعده به راه افتاد و جنگی که در موصل و رقه بر ضد داعش به اجرا درآمد، و پس از آن توافق‌هایی که طا لبان با ایالات متحده امریکا امضا کرد، این ذهنیت را در میان شماری از سیاستمداران و حلقاتی از تحلیل‌گران اتاق‌های فکرشان به میان آورده بود که تروریسم مذهبی از نفس افتاده است.

یکی از محاسبات اشتباه در مورد تروریسم که صورت می‌گیرد، برجسته‌تر دانستن نقش افراد در مقایسه با ایدئولوژی است. عده‌ای تصور می‌کنند که وجود برخی از چهره‌های کاریزماتیک و پرنفوذ در یک جریان سیاسی-عقیدتی عامل اصلی قوت و اقتدار آن است، و هر گاه آن چهره‌ها از میان برداشته شوند، بساط فعالیت آن گروه از میان برچیده شده یا به‌شدت محدود خواهد شد. این در مورد جریان‌های ایدئولوژیک درست نیست، بلکه نقش ایدئولوژی بسیار مهم‌تر از نقش رهبران جریان‌هاست. تجربه نیز نشان داده است که مرگ رهبران باعث نابودی این اندیشه‌ها نشده است.

محاسبه اشتباه دیگر در مبارزه با تروریسم این بوده است که با بریدن شاخه‌های تنومند این جریان، می‌توان به مرور زمان شاهد زوال و خشکیدن کلیت این پدیده شد، بدون این‌که کار مهمی برای خشکاندن ریشه‌های آن کرد. این یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات شایع در زمینه مبارزه با افراطگرایی و تروریسم بنیادگرا بوده است. تروریسم محصول یک تفکر خاص است و این تفکر از سوی افراد، مراکز، شبکه‌ها و سازمان‌های مختلفی تبلیغ و ترویج می‌شود و برای پایان دادن به غایله باید به سراغ اصل تفکر رفت و جلو گسترش این اندیشه را گرفت.

عامل مهم‌تری که در این زمینه باید در نظر گرفته شود، استفاده ابزاری و برخورد تاکتیکی با پدیده تروریسم بوده است که تقریباً همه کشورهای بزرگ جهان و همه کشورهای متنفذ منطقه ما در پیش گرفته بودند. هر یک از این کشورها تروریسم را به خوب و بد تقسیم کرده و هر چند بر زبان نمی‌آوردند، اما در عمل نشان می‌دادند که تروریسم اگر وسیله مزاحمت برای رقیبانش باشد، تروریسم خوب و مطلوب است، و از هنگامی به تروریسم بد تبدیل می‌شود که در خدمت اجندای سیاسی دیگری قرار بگیرد. همین رویکرد بود که گروهی مانند طا لبان را یک روز دشمن آشتی‌ناپذیر و روز دیگر یک جریان طرف معامله و طرف قرارداد معرفی می‌کرد. هنگامی که سیاست از ارزش‌های اخلاقی و حقوق بشری فاصله گرفته و در مسیر پرگماتیسیم بی‌ضابطه قرار بگیرد، به این سرآشینی فرو می‌غلند. این رویکرد شاید در کوتاه‌مدت سودمند تمام شود، اما در بلندمدت به زیان همه است، زیرا این کار بازی با آتش است و سرانجام دست و صورت بازیگران را خواهد سوخت.

تروریسم زاده افراطگرایی مذهبی و ترویج اندیشه‌های دگماتیک و بنیادگرایانه است. هر جا که این پدیده ظهور کند و رو به گسترش بگذارد، تحرکات خشونت‌بار و تروریستی نیز سر بر خواهد آورد و به جریانی اثرگذار در معادلات سیاسی و امنیتی تبدیل خواهد شد. هیچ‌گاه تروریسم به‌صورت آبی به جود نیامده و به خطری جدی تبدیل نشده است، مگر این‌که پیش از آن به حد کافی فرصت جولان برای مبلغان و ارادتمندان ایدئولوژی‌های افراطی فراهم بوده است. مبارزه با تروریسم و چشم بستن بر افراطیت کارساز نیست، و چیزی جز به هدر دادن نیروها و منابع نباید دانسته شود.

افغانستان بیش‌تر از هر کشور دیگری در جهان دست‌خوش مصیبت افراطگرایی و فاجعه تروریسم بوده است. یک علت آن برمی‌گردد به نقشی که قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حمایت مقطعی از بنیادگرایی و ایدئولوژی‌های تندرو برای پیش بردن مقاصد سیاسی و امنیتی خود داشتند، چه در دوران جنگ سرد و چه پس از آن. در روزگاری بلوک غرب به حمایت از جهاد در افغانستان پرداخت تا اتحاد جماهیر شوروی را زمین‌گیر کند و در دوره‌های دیگری

د پاپو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) يادونه: دليکني دليکنيزي بني پزوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

رقبای غرب به حمایت از طالبان پرداختند و برای‌شان پناهگاه و آموزشگاه فراهم آوردند تا غرب را در این‌جا زمین‌گیر کنند. در هر دو حالت از افراطگرایی به‌مثابه ابزار استفاده شد و در هر دو حالت افغانستان میدان جنگ نیابتی بود و در هر دو حالت مردم افغانستان هزینه اصلی را پرداختند و در هر دو حالت خطر ناامنی و تنش‌های کلان متوجه منطقه و جهان بوده است.

حادثه خونین مسکو یکبار دیگر زنگ خطر را به صدا درآورده است تا سیاستمداران در رویکرد خود تجدید نظر کنند و از تکرار خطاهای گذشته دست بکشند. باید به جهانی پاکسازی‌شده از تروریسم اندیشید و این ممکن نیست جز در جهانی که افراطگرایی در آن به حاشیه رفته و تندروان از مرکز حوادث کنار زده شده باشند، چه در افغانستان و چه در هر جای دیگر. نباید جان انسان‌های بی‌گناه و زندگی شهروندان بی‌خبر بازیچه سیاست‌های غلط و محاسبات اشتباه سیاستمداران باشد. باید به ریشه‌ها پرداخت و هر گونه افراطگرایی و رویکرد معطوف به خشونت را از میان برداشت. دشوار هست، ناممکن نیست.

[مطالب دیگر از جناب مُحِق را لطفاً در این لینک مطالعه کنید](#)

---

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنې د لیکنيزې بني پزوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ